

جنرال اسد درانی: اسامه را به‌منظور معامله بر سر افغانستان پناه دادیم

شنبه ۲۹ حمل ۱۳۹۴ - منبع: الجزیره - برگردان: ۸ صبح

یادداشت روزنامه: این گفتگو، متن کامل گفتگوی جنرال اسد درانی رییس اسبق آی‌اس‌آی با مهدی حسن، خبرنگار الجزیره است. گفتگوی درانی در حضور یک گروه از کارشناسان و اشتراک‌کنندگان از طیف‌های مختلف در دانشگاه آکسفورد بریتانیا ضبط شده است. این گفتگو از روی ویدیوی منتشر شده آن بازنویسی شده است.

خبرنگار: جنرال درانی، آیا از نقش پاکستان به‌ویژه آی‌اس‌آی یا سازمان استخبارات نظامی آن کشور که شما زمانی رییسش بودید در ایجاد جنبش طالبان، پشتیبان هستید؟
درانی: آنچه را که ما انجام دادیم یکی از نیازهای شرایط آن زمان بود. تا هنوز هم از آنچه انجام شده است، پشتیبان نیستم و من فکر می‌کنم که ما آن طوری که لازم بود، بازی کردیم.

خبرنگار: با توجه به آنچه که شما گفتید و اتفاقاتی که بعداً در افغانستان از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی و مجاهدین رخ داد، اگر به گذشته نگاه کنیم شما گفته‌اید که اگر دوباره برگردید، عین بازی را ادامه خواهید داد. این در حالی است که شما زمانی دست‌اندرکار همین سیاست بودید؟
درانی: شکی نیست که بازی را اندکی بهتر از آنچه انجام یافت، انجام می‌دادم. ...

خبرنگار: ... وقتی می‌گویید «بازی بهتری» انجام می‌دادید، به چه معناست؟ آیا طالبان بیشتری را تجهیز و آموزش می‌دادید یا طالبان کمتری را ...؟
درانی: (با خنده) نه. بعد از خروج اتحاد جماهیر شوروی، مجاهدین قادر به ایجاد حکومت نشدند و به همین خاطر گروه طالبان ظهور کرد. ...

خبرنگار: بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، و در واقع تا همین اواخر، شما به‌صورت مستمر از طالبان حمایت کردید؛ آن‌ها را آموزش داده و تجهیز کردید و تنها دلیلی که آن‌ها قادر شدند دوباره خود را احیا کنند نیز همین بود که دولت، ارتش و استخبارات پاکستان آن‌ها را حمایت کرد و این واقعا ظالمانه بود؛ مگر نه؟
درانی: بعد از سال ۲۰۰۱ و بعد از اشغال افغانستان، طالبان نخستین گام را برای مصالحه با رژیم کابل

برداشتند اما جدی گرفته نشد. اگر آن‌ها دوباره خود را احیا کردند، دلیلش این است که می‌خواهند در برابر اشغال خارجی مقاومت کنند؛ یک بر سه حصه مردم افغانستان نسبت به طالبان همسویی دارند...

خبرنگار: اگر منظور شما این است که آنها حمایت مردمی دارند، در این شکی نیست. طالبان نماینده بخشی از جامعه افغانستان‌اند. اما شما تلاش کردید آن‌ها را شامل روند سیاسی بسازید. این به معنای آن است که شما از آن‌ها به‌صورت مخفیانه حمایت کرده و تجهیزشان کردید تا در افغانستان دست به انفجار و انتحار بزنند...

درانی: می‌خواهم بگویم که چگونه ممکن بود تا کسی با آن‌ها وارد مذاکره شود، مگر این‌که صاحب مقداری قدرت و نفوذ نمی‌بودند. به همین دلیل هم بود که در سال ۲۰۰۲ درخواست آن‌ها برای مصالحه را کسی جدی نگرفت...

خبرنگار: این دقیقاً یک روش بسیار قدیمی است که می‌گوید هدف وسیله را توجیه می‌کند... درانی: من فکر می‌کنم این یک روش بسیار مدرن هم است. به‌خاطر این‌که اگر یک جناح صاحب نفوذ و قدرت نباشد، هیچ‌کس حاضر به گفتگو و مذاکره با آن‌ها نخواهد بود. در واقع گفتگو از موضع قدرت یک مساله حیاتی است.

خبرنگار: به‌نظر می‌رسد که شما، هم به نعل می‌زنید و هم به میخ... ؟ از یک طرف شما طرفدار گفتگو با آن‌ها هستید و از جانب دیگر می‌گویید که آن‌ها صرفاً زمانی می‌توانند برای گفتگو آماده شوند که برای‌شان اسلحه داده شود تا انتحار و انفجار به راه اندازند. این هر دو کمی در تناقض با هم‌اند... درانی: اگر یک گروه شبه‌نظامی قومی متشکل از ۲۰ تا ۲۵ هزار جنگجو به حمایت یک دولت که از سوی دیگران «دولت شکست‌خورده» یا روبه‌زوال خطاب می‌شود، قادر به این می‌شود که به این حد از قابلیت و موفقیت دست یابد، من از حاضرین در این تالار می‌خواهم تا برای طالبان و حامیان‌شان یک کف محکم بزنند...

خبرنگار: برای طالبان کف بزنند؟! درانی: بلی، کاملاً. بخاطری که...

خبرنگار: شما در مورد مقاومت علیه حضور نیروهای خارجی صحبت کردید. بیاید کمی این مساله را بررسی کنیم. به نقل از سازمان ملل متحد، از مجموع سه تا چهار هزار تلفات ملکی در سال گذشته، طالبان مسوول قتل ۷۵ درصد آنان‌اند. آیا این چیزی است که باید به‌خاطرش برای طالبان کف زده

شود؟

درانی: چند نفر به واسطه نیروهای خارجی کشته شده‌اند...؟

خبرنگار: شاید چیزی کمتر از ۲۵ درصد...

درانی: شاید هم کمتر، اما من به‌خاطر دعوا بر سر ارقام این جا نیامده‌ام.

خبرنگار: شما شخص تحصیل‌کرده، جنرال بازنشسته و صاحب منزلت اجتماعی هستید. شما در پاسخ به سوال من مبنی بر قتل ۷۵ درصد از تلفات جنگ در افغانستان می‌گویید که مهم نیست طرف دیگر چقدر کشته است. من و شما در میدان جنگ حضور نداریم و شما به‌خاطر قتل این همه فرد ملکی به واسطه طالبان افغان، آن هم در یک سال، می‌خواهید تا ما برای آن‌ها کف بزنیم و تحسین‌شان کنیم؟ درانی: بلی، و این طبیعت چنین جنگی است. ممکن است شما بگویید که نیروهای خارجی کمتر کشته‌اند. در یک چنین جنگی مردم خواه ناخواه کشته می‌شوند.

خبرنگار: آیا می‌گویید که انفجار مکاتب کودکان از سوی طالبان قابل توجیه و دفاع است؟ [بگویید] بلی یا خیر.

درانی: من به‌دنبال توجیه هیچ چیزی نیستم، بلکه به دنبال توضیح برخی مسایلم.

خبرنگار: اما به‌نظر می‌رسد که به‌دنبال چنین توجیهی هستید. شما هم‌چنان در گذشته گفته‌اید که «امریکا و پاکستان در جنگ علیه یک‌دیگراند». آیا هنوز به همین باور هستید؟ درانی: بلی، کاملاً. حداقل شماری از پاکستانی‌ها در مورد رابطه‌شان با امریکا فریب خوردند. برخی‌ها در پاکستان تصور می‌کردند که امریکا متحدشان است. در حالی که متحدان همیشه دارای اهداف مشابه می‌باشند که ما این را نداشتیم. ما با امریکایی‌ها دارای سیاست مشابه نبودیم.

خبرنگار: من به این خاطر این مساله را گفتم که یک جناح این جنگ (امریکا) میلیاردها دالر با به جناح دیگر (پاکستان) کمک می‌کند و پاکستان به جای همکاری، می‌رود و از دشمن کمک‌کننده یا طالبان حمایت می‌کند. به‌نظر نمی‌رسد که این جنگ بسیار مضحک و مسخره باشد؟ درانی: (با خنده) من فکر می‌کنم که بسیار کمتر از آنچه که باید پول می‌گرفتیم، دریافت کردیم.

خبرنگار: صد البته که امریکایی‌ها آن همه پول را به خاطری که عاشق چشم و ابروی شما باشند، برای‌تان ندادند و هم برای آن ندادند تا بروید و از دشمنان‌شان حمایت کنید و برای‌شان پناهگاه‌های امن

فراهم کنید.
درانی: ما آنان را فریب دادیم.

خبرنگار: واقعا؟
درانی: از این کار ضرر نکردیم. به خاطری که...

خبرنگار: در این صورت بنابر گفته شما، رفتار پاکستان در طول سال‌های اخیر رفتار یک کشور خاین و دوروی بوده است؟
درانی: اگر شما قادر به سواری گرفتن هم‌زمان از دو اسب نیستید، نیازی به حضورتان در سرکس نیست.

خبرنگار: با خنده توام با تعجب (درست).
درانی: می‌دانید که این نصیحت از چه کسی به یادگار مانده است. لرد رابینسون، تحلیلگر و دیپلمات انگلیسی که زمانی سرمنشی ناتو نیز بود، این جمله را به کوهن، وزیر دفاع پیشین امریکا گفته بود. دولت‌ها همیشه بازی‌های دوپهلو می‌کنند و اگر ما نیز یک چنین بازی‌ای را موفقانه انجام داده باشیم، من فکر می‌کنم که این دست‌آورد چنین بازی‌ای است.

خبرنگار: خوب آیا شما خودتان را یک مرد خوش‌اخلاق محسوب می‌کنید؟
درانی: اخلاق یک بحث فردی است اما در هنر حکومتداری اهمیتی ندارد.

خبرنگار: شما همه‌اش از هنر حکومتداری، بازی و اسب‌سواری سخن گفتید، و گفتید که برای شما رسیدن به هدف مهم است و اخلاق مهم نیست. اما مشکل این‌جاست که نه به هدف دست یافتید و نه هم اخلاق را رعایت کردید. به عنوان مثال، تحریک طالبان پاکستان نوزاد ناقص طالبان افغان است که این روزها در پاکستان دقیقا به همان اقداماتی متوسل می‌شود که شما طالبان افغان را آموزش دادید تا در افغانستان انجام دهند. مثل منفجر کردن مکاتب و انتحار و غیره و غیره. سربازانی که شما روزگاری فرمانده‌شان بودید به دست همین افراد به قتل می‌رسند و این دقیقا شبیه به قصه همان گرگ‌زاده است که امروزه گرگ شده است و این نتیجه سیاست عمل‌گرای شماست.

درانی: تلفات و خرابی‌های این‌چنینی، قیمتی است که باید برای چنین بازی‌ای پرداخته شود. در بازی‌هایی که هدف‌های بزرگ مطرح‌اند، یک چنین اتفاقاتی می‌افتد. اگر شما تصور می‌کنید که برخی گروه‌ها را ما ایجاد کردیم، جانب دیگر نیز دست به ایجاد گروه‌های مشابه زده است و این تنها راهی است که چنین بازی‌هایی از سوی بازیگران اجرا می‌شود. این طور هم نیست که یک طرف بازی به خاطر مسایل اخلاقی، پای خود را از معرکه بیرون بکشد.

خبرنگار: جدا از بحث اخلاق، حتا در بحث عملی آیا برنامه شما همین بود که گروه‌های دست‌آموز خودتان روزی علیه شما بشورد و برای‌تان فاجعه بیافریند؟ یا می‌خواهید بگویید که می‌دانستید چنین اتفاقی می‌افتد؟

درانی: دست‌آورد (هدف) آن این است که افغانستان دیگر در اشغال نیروهای خارجی نباشد. افغانستان دوباره متحد شود. در آن صورت چیزی برای تحریک طالبان پاکستان باقی نمی‌ماند و ما در آن زمان قادر خواهیم بود تا با آن‌ها به‌طور مناسب برخورد کنیم. هیچ چیزی مجانی به‌دست نمی‌آید. این بازی برای آدم‌های دارای قلب ضعیف نیست.

خبرنگار: آیا مادرانی که در حمله به مکتب نظامی در پشاور کودکان خود را از دست دادند، از جمله همان مردمی‌اند که دارای قلب ضعیف‌اند؟
درانی: نه. آن‌ها قلب ضعیف ندارند، بلکه من با آن‌ها احساس همدردی عمیق دارم. بلکه من این‌جا به دنبال توضیح وضعیتی هستم که شما از من در موردش می‌پرسید...

خبرنگار: به‌نظر نمی‌رسد که شما با آن‌ها احساس همدردی داشته باشید، زیرا گفتید که تلفات و خسارات ناخواسته بخشی از روند بازی است.
درانی: به‌صورت ساده من این‌جا به دنبال توضیح مسایل هستم. کارم نه توجیه‌گری است و نه هم این‌که بگویم چه خوب است و چه بد. بلکه می‌خواهم اطلاع‌رسانی کنم تا مردم از خوب و بد آگاه شوند.

خبرنگار: آیا واقعا شما به خوب و بد باور دارید؟ زیرا می‌گویید که آزادی افغانستان از اشغال خارجی ارزش این همه تلفات و کشتار را دارد. بهتر است به حاضرین فرصت بدهیم تا سوال‌های خود را مطرح کنند. خانم فرزانه شیخ، شما به عنوان یک پاکستانی و یک دانشگاهی که مسایل را دنبال می‌کنید، با توجه به سخنان جنرال درانی به نظر می‌رسد که وضعیت خیلی هم عادی است. زیرا ایشان فکر می‌کنند که تحریک طالبان پاکستانی قابل کنترل است و افغانستان به یک کشور آزاد و فارغ از اشغال نظامی مبدل خواهد شد. آیا این یک روایت از موفقیت پاکستان است که دنیا آن را جدی نگرفته است؟
فرزانه شیخ، نویسنده پاکستانی: آنچه که این‌جا گفته شد، نمایش بسیار واضح از یک سیاست عمل‌گرا است. در حالی که جنرال درانی می‌داند که هیچ چیزی مجانی به دست نمی‌آید، اما قیمتی که پاکستان به خاطر سیاست‌های آی‌اس‌آی می‌پردازد، بسیار زیاد است. ما بیشتر از ۳۰ هزار انسان قربانی داده‌ایم و این قابل قبول نیست. این نشان‌دهنده یک شکست سنگین است. این سیاست شما باعث قربانی شدن مملکت (پاکستان) شده است.

خبرنگار: شهزادی بیگ، یکی دیگر از دانشگاهیان پاکستانی و فعال حقوق بشر نیز این‌جا حضور دارد. شما در زمینه فساد در حکومت پاکستان کار کرده‌اید. باور کنید نمی‌شود که سوال اخلاقی نپرسید. آیا ظالمانه نیست که وقتی کسی همکاری با طالبان را توجیه می‌کند و می‌گوید که باید طالبان به خاطر کارهای‌شان تحسین شوند؟

شهزادی بیگ: شکی نیست که قتل هر انسان به واسطه هر کسی دیگر ظالمانه است. خوب است که کمی به عقب برویم و به زمانی که افغانستان مورد تجاوز اتحاد شوروی قرار گرفت. نگاهی بیندازیم تا آنچه را که امروز در موردش حرف می‌زنیم، بهتر درک کنیم. پس از تجاوز روس‌ها به افغانستان یک همکاری سه‌جانبه میان امریکا، پاکستان و عربستان سعودی شکل گرفت که سبب تشویق، بسیج و توسعه گروه‌های مجاهدین شد. در واقع «جهاد» یک ابتکار امریکایی بود. حادثه حمله بر مکتب نظامی در پشاور، واقعا غم‌انگیز بود. تحریک طالبان پاکستان یک گروه کاملاً تروریستی است. آن‌ها از سوی آی‌اس‌آی حمایت نمی‌شوند. ممکن است برخی حلقات رسمی پاکستان نسبت به آن‌ها احساس همسویی کنند. اما توجه داشته باشیم که پاکستان با تهدید جدی نسبت به موجودیت خود مواجه است.

خبرنگار: با تهدید جدی نسبت به موجودیت خود، با گروه‌هایی مواجه است که خودش آن‌ها را ایجاد کرده است. بگذارید تا از دکلن والش، دبیر اسبق روزنامه نیویارک تایمز که از پاکستان اخراج شده است، بپرسم. دکلن! ما از قیمت گزاف این جنگ حرف زدیم و از تهدید جدی علیه موجودیت پاکستان نیز سخن گفته شد. تصور خودت از وضعیت در پاکستان چیست؟

دکلن والش: به نظر من حادثه پشاور برای مردم پاکستان این نکته را واضح ساخت که استفاده ابزاری از تروریسم برای سیاست خارجی چقدر می‌تواند خطرناک و کشنده باشد. اما آنچه را که جنرال درانی در موردش حرف نزد یا افرادی مثل جنرال درانی در آی‌اس‌آی نمی‌خواهند درمورد حرفش بزنند، چیزی است که واقعا در افغانستان می‌گذرد. شما وقتی به افغانستان می‌روید، تمام مردم عادی آن کشور از مداخله پاکستان سخن می‌گویند و آن‌ها می‌خواهند تا پاکستان دست از این سیاست بردارد.

خبرنگار: درست. جنرال درانی، آیا واقعا فکر می‌کنید که آی‌اس‌آی از محل اختفای اسامه تا قبل از مرگش آگاه نبود؛ اسامه‌ای که در شهرک نظامی ایبیت‌آباد در یک ساختمان بزرگ زندگی می‌کرد. درانی: تا امروز نمی‌توانم در مورد حادثه کشف محل اختفای اسامه دقیقا چیزی بگویم. ممکن است آی‌اس‌آی هیچ اطلاعی از این موضوع در آن زمان نداشت. براساس محاسبه من، احتمال زیاد این است که آی‌اس‌آی از حضور او آگاهی داشت. در واقع هدف این بود که محل اختفای وی در یک زمان مناسب افشا شود. و زمان مناسب برای این کار آن بود تا چیزی معادل آن به‌دست می‌آمد. اگر شما کسی مثل اسامه بن‌لادن را در اختیار دارید، به هیچ صورت او را به سادگی تحویل کسی نمی‌دهید. منظور من از معادل مناسب برای اسامه این بود که به امریکا بگوییم که ما او را در اختیار خود داریم و می‌توانیم تحویل شما دهیم، اما در بدل آن باید توافق کنیم که چگونه می‌توانیم مساله افغانستان را حل کنیم.

خبرنگار: وقتی شما می‌گویید که ممکن است ما می‌دانستیم که او کجاست و یا چگونه برایش پناهگاه فراهم کردید، آیا این به معنای آن است که شما او را نگهداری می‌کردید و او در یکی از خانه‌های امن آی‌اس‌آی به سر می‌برد؟

درانی: اگر این کار را آی‌اس‌آی انجام داده باشد، من با صراحت می‌گویم که آن‌ها کار خوبی انجام داده‌اند. حتی اگر آی‌اس‌آی مکان محل اختفای او را نیز افشا کرده باشد، به نظرم کار درستی انجام داده است. با این حال می‌خواهم بگویم که نمی‌دانم دقیقا چه اتفاقی افتاده است.

خبرنگار: به گفته لیون پانتا، رییس قبلی سیا یا سازمان استخبارات برون‌مرزی امریکا، یا پاکستان از این مساله آگاه بوده است و یا این که اختفای اسامه بدون آگاهی پاکستان، نشانگر ضعف و ناتوانی شدید استخبارات آن کشور است.

درانی: صحبت از ضعف و ناتوانی استخباراتی پاکستان به احتمال زیاد یک موضع‌گیری سیاسی بود. به نظر من این موضع‌گیری به این خاطر صورت گرفت تا مبادا مردم در پاکستان فکر کنند که دولت‌شان در همدستی با امریکا اسامه را به قتل رسانیده است؛ مردی که در پاکستان پیروان و دوستداران زیادی دارد.

خبرنگار: آیا خودتان نیز از دوستداران اسامه بن‌لادن بودید؟
درانی: من در مورد مسایل خصوصی خودم به هیچ صورتی حرف نمی‌زنم.

خبرنگار: پس چرا به این برنامه آمدید. آیا شما مسوولیت هماهنگی فعالیت‌های اسامه را در دهه هشتاد میلادی به عهده داشتید؟
درانی: بلی من در مواردی او را از نزدیک دیده بودم. اما اسامه در آن زمان مرد مشهوری نبود و من با او گفتگوی خاصی در مورد مسایل خاص نداشتم.

خبرنگار: آیا واقعا خود را پیرو اسامه فکر می‌کنید؟
درانی: من در این مورد گپ نمی‌زنم، زیرا این مساله دیدگاه‌هایی را که این‌جا بیان می‌کنم، تحت شعاع قرار خواهد داد.

خبرنگار: اما نگفتن این مساله باعث می‌شود که مردم خود در مورد شما یک چنین قضاوتی را بکنند.
درانی: (با پوزخند) در هر صورتی مردم قضاوت خود را خواهند کرد.

خبرنگار: وقتی از این حرف زدید که اسامه مرد محترم و و پرطرفدار در پاکستان بود، ایا محبوبیت او به دلیل حضورش در جنگ علیه روس ها بود یا به دلیل موضع گیری اش پس از حادثه یازدهم سپتامبر؟
درانی: واکنش اولیه در زمانی که یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد این بود که برخی مردم می گفتند آن حمله پاسخ مناسب برای یگانه ابر قدرت دنیا بود؛ ابر قدرتی که هرکاری دلش میخواست انجام می داد. اگر این واکنش مردم بوده باشد، من همسویی برخی مردم به اسامه و سازمانی را که این حمله را سازمان دهی کرد، می توانم درک کنم.

خبرنگار: به خاطر وضاحت، من از چند نظرسنجی در پاکستان یاد می کنم که براساس آن ها چیزی در حدود سه تا پنج درصد مردم در پاکستان باور دارند که حمله یازدهم سپتامبر از سوی اسامه طراحی و عملی شده باشد. آیا به باور شما اسامه مسوول حمله بر برج های مرکز تجارت جهانی بود؟
درانی: من یک روایت رسمی را که واشنگتن به اطلاع جهان رسانید، باور کرده ام. با این حال ربودن یک هواپیما خود کار سختی است چه برسد به ربودن چهار هواپیما. آن ها چهار هدف مشخص داشتند. این درحالی است که قوای هوایی امریکا قادر به جلوگیری از این حملات نشد، در حالی که قوای هوایی پاکستان در ده تا پانزده دقیقه می تواند چنین کاری را بکند. این ها مسایلی اند که برای من روشن نیست. شاید برای این پرسش ها پاسخ هایی وجود داشته باشد و توضیحی برای شان وجود داشته باشد...

خبرنگار: خوب در مورد حادثه یازدهم سپتامبر در کشورهای مسلمان یک تیوری توطیه وجود دارد. از یک طرف گفته می شود که اسامه مرد دلیر و شجاعی بود و از جانب دیگر می شنویم که یازدهم سپتامبر یک برنامه طراحی شده از جانب خود امریکا بود.
درانی: من چنین چیزی نگفتم. به خاطر می که در مورد این مساله من به اندازه کافی چیزی نمی دانم.

خبرنگار: بهتر است به حاضرین در تالار برویم. فرزانه، نظر خودت در مورد اختفای اسامه در پاکستان چیست؟
فرزانه شیخ: من نسبت به این مساله که آی اس آی از حضور اسامه به هیچ صورتی آگاهی نداشت، باور ندارم. اما آنچه مرا نگران می سازد این است که پس از افشای محل اختفای اسامه بن لادن این مساله نیز افشا شود که اسامه در رابطه نزدیک با گروه هایی چون حرکت المجاهدین و حافظ سعید و لشکر طیبه بوده است و این گروه ها همان گروه هایی اند که با آی اس آی روابط بسیار نزدیک و صمیمی دارند. حتا اگر این مسایل را کنار بگذاریم و حتا از ادعای خانم کارلو تگال، خبرنگار امریکایی که می گوید در آی اس آی بخش خاصی برای هماهنگی و تنظیم امور اسامه وجود داشت، نیز چشم پوشی کنیم. اسناد و شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد آی اس آی با اسامه در رابطه نزدیک بوده است و از محل اختفای او خبر داشته است و به احتمال قوی خانه امن او نیز از جانب آی اس آی فراهم شده بود.

خبرنگار: بیا بید سوال را از دکلن این طوری مطرح کنم که پاکستان در مورد محل اختفای اسامه چیزهایی می‌دانست. پس چرا امریکا با این مساله مشکلی ندارد و هنوز میلیاردها دالر را به پاکستان می‌دهد؛ به کشوری که به بزرگترین دشمن آن کشور پناهگاه امن فراهم می‌کند؟

دکلن: من در این مورد دیدگاه متفاوتی دارم. جنرال درانی با ساختن و بافتن هوشیارانه مسایل و رویدادها تصویری را از آی‌اس‌آی پرداخت که نشانگر قدرت گسترده این سازمان است و این تصویری است که در پاکستان نیز وجود دارد. اما با این حال می‌تواند یک واقعیت دیگر نیز وجود داشته باشد که این سازمان به دلیل ناتوانی و ضعف از حضور اسامه در آن کشور هیچ‌گونه آگاهی نداشته است و این در واقع به معنای آن است که برخلاف لاف و گزاف جنرال درانی، اوضاع در پاکستان به مراتب غیرقابل کنترل و خراب است. این چیزی است که من به آن باور دارم.

خبرنگار: اوضاع بیشتر غیرقابل کنترل و خراب است و آی‌اس‌آی به آن اندازه‌ای که تصور می‌شود، قدرت و توانایی ندارد؟

درانی: از این که در مورد آی‌اس‌آی یک چنین تصورات درهم و برهم وجود دارد، سبب خوشحالی من است.

خبرنگار: خانم شهزادی، بگذارید تا گفته‌های لیون پانتا را به شما یکبار دیگر تکرار کنم. با توجه به سخنان جنرال درانی و دوستان دیگری که اینجا سخن گفتند، تصور شما نسبت به این که آی‌اس‌آی در ماجرای مخفی کردن اسامه دخیل بود و یا به دلیل ضعف از مخفی شدن او در پاکستان آگاهی نداشت، چیست؟

شهزادی بیگ: اگر پاکستانی‌ها از محل اختفای اسامه خبر می‌داشتند، امریکایی‌ها از این مساله می‌توانستند تبلیغات گسترده‌ای بسازند. در واقع هیچ سندی وجود ندارد که اسامه را آی‌اس‌آی مخفی کرده باشد. هم‌چنان نتیجه تحقیق کمیسیون ایبیت‌آباد این بود که سهل‌انگاری‌های قابل مجازات و ضعف و ناتوانی شدید در تمام سطوح دولت سبب شده بود تا فردی مثل اسامه در ایبیت‌آباد مخفی شود.

خبرنگار: خوب به نظر می‌رسد که اکثریت به ضعف و ناتوانی آی‌اس‌آی در اینجا باور دارند. در سال ۲۰۰۵ سیا گزارشی را مبنی بر فساد، ضعف و مشکلات در دستگاه دولت پاکستان منتشر کرد و پیش‌بینی این بود که پاکستان در سال ۲۰۱۵ صاحب یک دولت شکست‌خورده خواهد بود. حالا ما در سال ۲۰۱۵ قرار داریم، آیا پاکستان به نظر شما یک دولت شکست‌خورده است؟

درانی: تصور نادرست این است که از روی کارکرد حکومت این پیش‌بینی را کرده‌اند. در حالی که جامعه پاکستان یک جامعه بسیار قوی است. در سطوح محلی ما کارکرد خوب داریم. جامعه مدنی قوی و فعال داریم.

خبرنگار: پس چگونه در ظرف تنها هفت دهه پس از استقلال پاکستان ما شاهد سه کودتای نظامی و تقریباً ۳۰ سال حکومت نظامی در این کشور بودیم. چرا کشور شما اینقدر مستعد پرورش و پذیرش دیکتاتوری نظامی است؟

درانی: من فکر می‌کنم که این یک بحث تاریخی است. به دلیل عبور و مرور دوامدار قدرت‌های نظامی از این منطقه مردم ما احترام خاصی نسبت به نیروهای نظامی دارند. نکته دوم این است که پس از استقلال پاکستان، شرایطی که کشور ما در آن به وجود آمد مسایلی چون جدید بودن کشور و مساله کشمیر و مسایل دیگر سبب شد که ارتش اعتماد گسترده مردم را کسب کند. با وجود تمامی مسایل، ارتش هنوز یکی از محبوب‌ترین نهادها در پاکستان به حساب می‌آید.

خبرنگار: آیا به نظر شما یک دیکتاتوری نظامی بهتر از یک دموکراسی برای پاکستان است؟
درانی: خوب و یا بد نمی‌دانم. اما در دوره حکومت نظامیان ما شاهد تطبیق بهتر قانون، ثبات و شگوفایی اقتصادی بوده‌ایم. درست است که نهادهای دیگر در این دوره‌ها تقویت نشدند و ثبات دائمی کشور که ما تصور می‌کنیم محصول یک روند طولانی و عادی است، به دست نیامد. و البته زمانی که چنین مسایلی از طریق حکومت‌ها ملی به دست نیاید، مردم خواستار حاکمیت نظامیان می‌شوند. در سه چهار ماه گذشته مردم می‌گفتند که حکومت نظامیان به مراتب بهتر است. حتی همین امروز که ما شاهد ناکارآمدی شمار زیادی از نهادها ملکی هستیم.

خبرنگار: خوب حتی در زمانی که شما حکومت را به دست ندارید نیز در پشت پرده همه کارها را انجام می‌دهید و نمی‌گذارید تا سیاستمداران دموکرات کاری انجام دهند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۰ زمانی که شما رییس آ‌اس‌آی بودید از سوی فرمانده ارتش دستور یافتید تا با مصرف میلیون‌ها پول از پیروزی بی‌نظیر بوتو در انتخابات جلوگیری کنید. آیا درست است که بگویم حتی در زمان حاکمیت ملکی‌ها، جنرال‌هایی مثل شما از عقب پرده همه‌ای کارها را انجام می‌دهند؟
درانی: بهتر است در این مورد سکوت کنم. زیرا چیزهایی که اینجا می‌گویم می‌تواند علیه من در یک دادگاه استفاده شود.

خبرنگار: این حق شماست که سکوت کنید. به صورت عمومی آیا منصفانه است که بگویم جنرال‌هایی مثل شما نقش کلیدی در سیاست دارند، حتی در زمانی که یک حکومت ملکی بر سراققتار است؟
درانی: نه چنین نیست و چنین اتفاق نیفتاده است. حتی به صورت عادی ارتش خواستار هیچ گونه مداخله‌ای در سیاست نبوده است.

خبرنگار: خوب بیا بگویم که ارتش پاکستان به صورت بسیار ناخواسته‌ای تقریباً نیمی از عمر پاکستان را تحت قیادت داشته است و ناخواسته وارد عرصه سیاست شده است... یکی از مسایلی که

دیگر مداخله آی‌اس‌آی در کار رسانه‌هاست و گزارش‌های متعددی این امر را تایید می‌کند. روزنامه‌نگاران پاکستانی لت و کوب شده‌اند، شکنجه شده و حتا کشته‌اند و آن هم صرف به این خاطر که گزارش‌ها و تحلیل‌های آنان مورد علاقه آی‌اس‌آی نبوده است. به عنوان مثال سلیم شهزاد که در سال ۲۰۱۱ جسدش کشف شد، بارها از سوی آی‌اس‌آی تهدید به مرگ شده بود. مثال‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و به همین خاطر از آی‌اس‌آی به خاطر این گونه اقداماتش باید تحقیق صورت گیرد. شما به مردم در مورد این گونه اقدامات مافیایی سازمان استخباراتی کشورتان که در برابر روزنامه‌نگاران دست به چنین اقدامات می‌زند، چه پاسخی دارید؟

درانی: آی‌اس‌آی یک اداره بی‌خطر است که برای حفاظت منافع کشور خدمت می‌کند.

خبرنگار: جدا (با تعجب). مگر این چیزی نیست که شما قبلا در مورد آی‌اس‌آی گفتید.

درانی: نقل قول کردن از دیگران و پرسیدن سوال بر مبنای آن از من، ره به جایی نمی‌برد.

خبرنگار: جدا. خوب بگذارید دوباره امتحان کنم. عمر چیم، روزنامه‌نگار دیگر که در سال ۲۰۱۱ دستگیر و لت و کوب شد در گفتگو با نیویارکتایمز انگشت اتهام را به سوی آی‌اس‌آی دراز کرد. و یا پس از این که حامد میر، خبرنگار دیگر وقتی در سال ۲۰۱۴ از سوی افراد مسلح غیرنظامی مورد سوء قصد قرار گرفت، برادرش در گفتگو با رسانه‌ها، آی‌اس‌آی را مسوول سوء قصد به جان برادرش خواند. آیا تمام این روزنامه‌نگاران یک چنین داستان‌هایی را جعل کرده‌اند و ما بایست شما و دوستان «بی‌خطر» را در آی‌اس‌آی باور کنیم؟

درانی: بلی.

خبرنگار: جدا (با تعجب). شما به این اتهامات واقعی نمی‌گذارید؟

درانی: من دقیقا نمی‌دانم چه اتفاق افتیده است.

خبرنگار: آیا هیچ گاهی دستور لت و کوب، شکنجه و قتل یک خبرنگار را در زمان تصدی‌تان بر آی‌اس‌آی صادر کرده‌اید؟

درانی: من هیچ‌گونه موردی را به یاد ندارم. حتا اگر چنین مواردی اتفاق هم بیفتد به صورت عادی مردم انگشت اتهام را به سوی آی‌اس‌آی دراز می‌کنند.

خبرنگار: بهتر است به گروه کارشناسان خود که منتظر اند برگردیم. فرزانه شیخ، ارتش و استخبارات پاکستان به صورت ناخواسته وارد سیاست شده‌اند. در حالی که آنها چنین نمی‌خواهند، بلکه این مردم‌اند که آنها را دوست دارند و می‌خواهند بر سرنوشت شان حاکم باشند. فرزانه شیخ: (خنده‌ای از روی تمسخر) خوب واقعیت این است که آی‌اس‌آی در پاکستان به مثابه دولتی در داخل دولت به حساب

می‌آید. من می‌خواهم از جنرال درانی بپرسم که براساس قانون اساسی پاکستان، رییس سازمان استخبارات کشور بایست به نخست‌وزیر پاسخگو باشد. اما در عمل می‌دانیم که رییس آی‌اس‌آی زیر دست فرمانده ارتش است. به همین خاطر هرباری که ما تلاش کرده‌ایم تا این اداره را پاسخگو بسازیم به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۸ بعد از حمله بمبئی وقتی از رییس آی‌اس‌آی خواسته شد تا با هند در زمینه تحقیقات همکاری کند، در عمل چنین چیزی میسر نشد. آی‌اس‌آی یک اداره غیرپاسخگو است که در تناقض کامل با قانون اساسی پاکستان قرار دارد. شما در این مورد چه می‌گویید؟

درانی: خوب درست است که باید به حکومت پاسخگو باشد، اما نه به هر حکومتی، زیرا این یک مساله مشکل‌ساز است. بگذارید این مساله را توضیح دهم. در واقع رییس آی‌اس‌آی به افراد مختلفی پاسخگوست اما رییس مستقیم این اداره در نهایت فرمانده ارتش است و این واقعیتی است که وجود دارد.

خبرنگار: شهزادی بیگ، مطمئن هستم که می‌دانید، بدون این که به موضوع شما در این بحث کاری داشته باشم، ارتش و استخبارات پاکستان صاحب قدرت و اختیارات گسترده‌ای در آن کشوراند.

شهزادی بیگ: من فکر می‌کنم که ارتش و استخبارات پاکستان پوشش بسیار غیرمنصفانه‌ای یافته است. طبیعی است که یک اداره استخباراتی به بازی‌های دوگانه دست می‌زند، دروغ می‌گوید. می‌توانید در این زمینه تاریخ‌سیا را مطالعه کنید. واقعیت این است که دموکراسی پاکستان تنها در صندوق‌های رای خلاصه می‌شود و حکومت‌های ملکی به شمول حکومت فعلی قادر به اجرای مسوولیت‌های خودش نیست. آیا منصفانه نیست که بگوییم چنین وضعیتی سبب می‌شود که ارتش و استخبارات وارد معرکه سیاست شوند؟ به عنوان مثال اگر ارتش در مساله کراچی مداخله نمی‌کرد، این شهر سقوط می‌کرد.

خبرنگار: دکلن والش شما در پاکستان بودید و از آنجا گزارش‌های متعددی را تهیه و منتشر کردید. دیدگاه شما در مورد این که پاکستان یک دولت شکست‌خورده است، چه می‌باشد؟

دکلن والش: من فکر نمی‌کنم که بحث در مورد این مساله در همین لحظه مهم باشد. در واقع بحث ملکی‌ها و نظامیان بحث محوری پاکستان است. چیزی که در هفتاد سال گذشته جریان داشته است. در واقع پیچیدگی همین مساله کلیدی است که نشان می‌دهد در پاکستان هنوز توافقی میان نخبگان در مورد شیوه حکومتداری بر این کشور به میان نیامده است.

خبرنگار: من این سوال را از شما به خاطری پرسیدم که می‌خواستم بدانم شما چه چیزی نوشته بودید که آی‌اس‌آی شما را از پاکستان اخراج کرد.

دکلن والش: هنوز نمی‌دانم. در نامه‌ای که مساله اخراج صادر شده بود، تنها همین قدر تذکر یافته بود که به خاطر فعالیت‌های نامناسب باید آن کشور را ترک کنم. ما بارها از ارتش و دیگر نهادها خواستار توضیح در این مورد شدیم، اما کسی عبارت «فعالیت‌های نامناسب» را به ما توضیح نداد.

خبرنگار: بگذارید برای حاضران در تالار فرصت دهیم تا سوال‌های خود را مطرح کنند.

یکی از حاضران افغان در تالار: شما در سال ۹۰ تا ۹۲ رییس آی‌اس‌آی بودید. سیاست آن زمان شما سیاست کابل‌سوزی بود و شما کابل را سوزانیدید. مادر من پسر ۱۶ ساله‌اش را از دست داد. از سال ۱۹۹۲ تا حال اشک ما خشکید و بیشتر از دونیم میلیون نفر جان باختند و افغانستان هنوز قربانی می‌دهد. وقتی بحث بر سر مسایل شخصی می‌رسد، آیا حاضر هستید که از اقدامات خود ابراز ندامت کرده و از مادر من معذرت بخواهید و یا از افراد دیگر مثل من و میلیون‌ها افغان دیگر...؟

درانی: ببینید! من برای آنچه شما از دست داده‌اید، متأسف هستم. در واقع این روس‌ها بودند که مسبب چنین وضعیتی شدند. ویرانی افغانستان به ویژه ویرانی کابل، نتیجه جنگ داخلی بود؛ جنگی که بعد از خروج روس‌ها میان مجاهدین و حزب دموکراتیک خلق رخ داد.

یکی دیگر از حاضران در تالار: آیا به نظر شما بریتانیا در خشن‌سازی طالبان به ویژه در مناطقی چون هلمند نقش —حتا— بیشتر از پاکستان نقش داشته است؟

درانی: تنها موردی که بریتانیا با آن برخورد خشن نکرد، مواد مخدر بود و من در این مورد خیلی جدی هستم. وقتی که همگی [از افغانستان] بیرون رفتند. کمک‌های خارجی قطع شد. نمی‌دانم که افغان‌ها برای تداوم وضعیت فعلی چه کاری خواهند کرد. به باور من، افغان‌ها روزبه‌روز بیشتر به تجارت مواد مخدر روی خواهند آورد.

خبرنگار: و شما از این وضع خوشحال خواهید شد؟

درانی: من نمی‌خواهم در مورد خوب بودن و بد بودن آن چیزی بگویم. اما حدود دو تا سه میلیون افغان همین حالا در سکتور مواد مخدر مصروف کاراند.

خبرنگار: البته مواد مخدر مهم‌ترین عرصه حیات و تقویت طالبان نیز است.

یکی از حاضران زن در تالار: شما گفتید که اگر دوباره به ۱۹۹۰ برگردید، همه‌ای کارها را بر همان منوال ادامه خواهید داد. حالا که ناتو و نیروهای امریکایی از افغانستان بیرون می‌روند شما با افغانستان چگونه معامله می‌کنید و البته این بر آینده پاکستان تا چه حد تاثیر دارد؟

درانی: من فکر می‌کنم که پاکستان به دنبال پیدا کردن جایگاه خود در این بازی است. در چهار یا پنج سال گذشته رابطه پاکستان با ایران و روسیه بهتر شده است و این نشانگر یک تحول عظیم است تا ما به یک راه حل منطقه‌ای در رابطه به افغانستان دست بیابیم.

یکی از حاضران در تالار: بعد از حادثه پشاور، شما دادگاه‌های نظامی را براه انداختید. آیا فکر می‌کنید که چنین روشی برای مبارزه با تروریسم موثر باشد؟
درانی: من مطمئن نیستم که چنین کاری موثر باشد. زیرا وقتی کسی خودش را برای انتحار آماده کرده است، اعدام او ره به جایی نمی‌برد.

یکی از حاضران در تالار: شما گفتید که به خاطر منافع کشور، اخلاق بایست در کرسی عقب بنشیند. به نظر شما آیا هم‌قطاران دیگران نیز یک چنین تصویری دارند؟
درانی: بلی، کاملاً.

خبرنگار: آیا فکر می‌کنید که دیگر سازمان‌های استخباراتی نیز مانند آی‌اس‌آی عمل می‌کند.
درانی: حتا بدتر. نمونه‌های زیادی وجود دارد.

خبرنگار: چگونه بدتر از آنچه است که آی‌اس‌آی انجام می‌دهد؟
درانی: خوب به لحاظ گستردگی در حالی که نتیجه یک مساله ممکن خیلی کوچک و ناچیز باشد.

خبرنگار: مکالمات ضبط‌شده تیلیفونی از سوی استخبارات امریکا و افغانستان نشان می‌دهد که آی‌اس‌آی در برنامه‌ریزی حمله بر سفارت هندوستان در کابل نقش داشته است.
درانی: با خنده توام با تمسخر) اگر گفتگوهای تیلیفونی کارکنان آی‌اس‌آی ضبط شده باشد، به نظر من این نشانگر ضعف آی‌اس‌آی است.

خبرنگار: این خط قرمزی است که آی‌اس‌آی نباید از آن بگذرد؟ یا این که آی‌اس‌آی هرچه بخواهد انجام می‌دهد؟
درانی: آی‌اس‌آی هرچه که ممکن و عملی باشد و به هدف نزدیکش سازد را انجام می‌دهد.

خبرنگار: پس هیچ قاعده و قانونی نیست که عملکرد این اداره را محدود کند؟
درانی: نه. البته به استثنای برخی از ماموریت‌ها که قواعد خود را دارند.

خبرنگار: آیا این چیزی است که در همه‌ای سازمان استخباراتی دنیا معمول است؟
درانی: بلی، کاملاً. به ویژه سازمان‌هایی استخباراتی که با شرایط شبیه شرایط ما مواجه‌اند.

خبرنگار: خوب سیا در حالی که ممکن است بدتر باشد، اما سیاستمداران امریکا توانستند در مورد اقداماتش گزارشی را تهیه کنند. آیا هیچ گاهی اعضای پارلمان پاکستان قادر به تهیه گزارشی در مورد عملکردهای نادرست آی اس آی شده اند؟

درانی: با پوزخند معنادار) خوب چون عملکرد نادرست نداشتیم، بنابراین گزارشی نیز در مورد ما تهیه نشده است.

یکی از حاضران تالار: یادم می آید که مردم در مورد حمایت از طالبان در روزنامه زیاد نوشتند و نیز یادم می آید که ارتش حمایت از طالبان را انکار می کرد. حالا که دست پرورده خودتان گرگ شده است، با آن عده از جنگجویانی چون حافظ سعید که هنوز در اختیار شماست، چه کاری می کنید؟

درانی: خوب گاهی چنین می شود که دست پرورده نمک نشناسی می کند و این یک امر اجتنابناپذیر است. واقعیت این است که مواجهه و اصلاح یک چنین وضعیت خود یک آزمون دیگر است. با توجه به نگرانی ها در مورد حافظ سعید، باید بگویم که در این مورد هنوز بحث کافی صورت نگرفته است.

یکی از حاضران در تالار: ما همه همین حالا در بریتانیا هستیم و می دانیم که این کشور چگونه میلیارد ها پوند را زیر نام این که پاکستان متحد ماست و تروریستان را قلع و قمع می کند، به آن کشور می پردازد. اما شما اینجا از مسایلی دفاع کردید که همه اش سبب قتل و کشتار سربازان بریتانیایی شده است. آیا شما اینجا به آکسفورد آمده اید تا تروریسم را ترویج کنید؟ آیا شما همان تروریستی هستید که ما به دنبالش هستیم؟

(کف زدن حاضران تالار)

درانی: نیروهای بریتانیایی دوشادوش نیروهای اشغالگر به افغانستان رفتند. آنها آنجا جنگیدند و برخی شان کشته شدند وقتی سرباز وارد جنگ می شود هیچ تضمینی وجود ندارد که کشته نخواهد شد.

خبرنگار: جنرال درانی، به منظور متوازن کردن این نکته، در سال ۲۰۰۱ و براساس تصمیم سازمان ملل متحد نیروهای بریتانیایی به افغانستان رفتند و دولت افغانستان نیز با این مساله رضایت داشت. درانی: برای آنهایی که در برابر نیروهای خارجی مقاومت کردند، تصمیم سازمان ملل متحد مهم نبود.

یکی از حاضران در تالار: جنرال درانی، عملگرایی مخوف شما به نظر می رسد که با پشت پا زدن به عدالت و اخلاق بیشتر متکی به حسادت و توهم باشد. شما به آنهایی که می پرسند شما سیاستی را در برابر هند پیش گرفتید که امروز تمام منطقه در آتش آن می سوزد، آیا این به معنای آن است که آی اس آی به مرحله ای غیر قابل بازگشت رسیده است؟

درانی: جنگ ادامه خواهد یافت. رویدادهای مشخصی اتفاق خواهد افتاد.

یکی از حاضران در تالار: من حامی نقد حضور امریکا در افغانستان هستم. اگر واقعا جنگ فعلی مقاومت در برابر نیروهای اشغالگر خارجی است، پس جنرال مشرف به امریکا کمک کرد تا طالبان را سقوط دهد. آیا این نیز بخشی از همان نقش دوگانه است؟

درانی: خوب من می‌خواهم بگویم که تصمیم برای ایجاد طالبان در شرایط دیگری گرفته شده بود. وقتی یازدهم سپتامبر رخ داد همه‌ای دنیا به دنبال انتقام و عمل بودند و این زمانی بود که مشرف تصمیم به همکاری گرفت. به مرور زمان او نیز درک کرد که یک چنان اتحادی نه به نفع افغانستان و نه به نفع پاکستان است و ما شاهد بودیم که چه اتفاقاتی رخ داد و همان بود که من در سال ۲۰۱۱ گفتم که امریکا و پاکستان در جنگ با یکدیگر اند.

یکی از حاضران در تالار: به عنوان یک هندوستانی می‌خواهم بپرسم که آیا تاکید بیش از حد پاکستان بر مساله کشمیر سبب نشده است تا این کشور از کاروان توسعه عقب بماند؟ آیا بهتر نیست که پاکستان کمک‌های خارجی را که دریافت می‌کند در عرصه‌های ملکی سرمایه‌گذاری کند تا این که از تروریستان حمایت کند؟

درانی: این همیشه یک سوال پیچیده بوده است که چگونه می‌توان با توازن بر سر مصارف نظامی و غیرنظامی می‌توان به توسعه دست یافت. ممکن شرایطی بوده است که سبب این کار شده است. شاید پول بیشتر در سکتور نظامی به مصرف رسیده است. در واقع آنچه که امروز به عنوان وضعیت بازدارنده میان هند و پاکستان مطرح است، نتیجه مصارف نظامی است که پاکستان انجام داده است.